

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میشل کولن Michel Collon

برگردان از: حمید محوی

۲۳ سپتمبر ۲۰۱۵

جنگ جهانی در چشم انداز اوباما (۶/۸)

این امر که اوباما از جنگ علیه چین یا روسیه می هراسد، جای شگفتی نخواهد داشت. ولی علیه اروپا؟ آیا این دوستی «بر اساس ارزش ها» که برای ما تعریف کرده اند، ابدی نیست؟



۶. آیا اروپا ایالات متحده را تا دوزخ دنبال خواهد کرد؟

اوباما به محافظه کارانی که مخالف توافقات هسته ئی با ایران بودند هشدار داد: « نزدیکترین هم پیمانان ما در اروپا مجازات ها را دیگر نمی پذیرند. جنگ ایران را تقویت خواهد کرد و موجب انزوای ایالات متحده خواهد شد » (۱). یکی از دیپلمات های عالی رتبه در واشنگتن گفت: « اگر کنگره ایالات متحده توافقات را نپذیرد، کابوس و مصیبت خواهد بود. » (۲). البته! فوراً پس از توافق، شرکت های آلمانی به سوی تهران سرازیر شدند تا قراردادهایی را که سال ها توسط واشنگتن مسدود شده بود به امضاء رسانند.

در واقع اصل چنین است که « قدرت های بزرگ قاعده و قانون ندارند، تنها به فکر منافعشان هستند » و این اصل در مورد هم پیمانان نیز به همین شکل است: دوستی ابدی می تواند خیلی زود به اختلاف تند و تیزی بینجامد.

برای کنترل اوراسیا، برژینسکی در سال ۱۹۹۷ توصیه می کرد که باید اروپا را کنترل کنند:

«مشکل مرکزی برای امریکا ایجاد اروپائی است که بر اساس مناسبات قابل زیست المان و فرانسه، در پیوند با ایالات متحده که بتواند نظام بین المللی همکاری های دموکراتیک را با ضمانت برتری جهانی امریکا گسترش دهد.» (۳)

«دموکراتیک» به معنای «فرمانبرداری از ایالات متحده»، برژینسکی واژه اروپا را برای جلوگیری از اتحاد برلین و مسکو به کار می برد. روسیه از دیدگاه جغرافیای طبیعی همکار شرکت های المانی است، و سیاست ایالات متحده می کوشد تا این همکاری ها را به متارکه بکشاند. اوکراین نیز به همین هدف به خدمت گرفته شد.

وقتی اتحادیه اروپا برای انتخابات تعیین شده با تمام احزاب به توافق رسید، در فردای آن روز واشنگتن با تکیه به گروه های نئو نازی کودتا به راه انداخت! فرستاده ویژه ایالات متحده نولاند با کلاس و ادب موضوع را خلاصه کرده بود:

«Fuck the EU!» (اتحادیه اروپا را بگائید).

آیا موضوع تازه ای است؟ نه، از سال ۱۹۹۷ برژینسکی اعلام می کرد که: «اروپا باید سکوی پرواز برای ادامه نفوذ دموکراسی در اوراسیا باشد. بین ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ اوکراین باید برای گفت و گوهای جدی با ناتو آماده باشد.»

برژینسکی می خواست اروپا را روی محور پاریس - برلین - ورشو - کی یف علیه مسکو متمرکز سازد. او بیم داشت که اتحاد اروپا با شکست روبه رو شود، و برلین به سوی شرق تمایل پیدا کند.

«سه امر بزرگ ژئواستراتیژیک به این شکل خلاصه خواهد شد: اجتناب از تصادم بین وابستگان و حفظ آنها در وضعیت وابسته (...)، تشویق فرمانبرداری وابستگان حفاظت شده، جلوگیری از تشکل بربرها در اتحادیه های متهاجم» (۴)

آیا این ستراتیژی از دور خارج شده است؟ نه. اخیراً از جرج فریدمن Georges Friedmann تحلیل گر پر نفوذ امریکائی پرسیده بودند «آیا داعش برای ایالات متحده خطرناک است؟» او با شگفتی پاسخ گفته بود: «خطر برای موجودیت امریکا ندارد. باید با آن به شکل مناسب رسیدگی کنیم، ولی در سیاست بین المللی ما منافع دیگری داریم. نفع اصلی (... در مناسبات بین المان و روسیه است که اگر متحد شوند می توانند ما را تهدید کنند. هدف اصلی ما این است که اطمینان حاصل کنیم که چنین اتحادی هرگز صورت نخواهد گرفت.» (۵)

برای جلوگیری از شرکت های چند ملیتی اروپا برای پیوستن به جاده ابریشم نو که چین طرح کرده است، کلید اصلی جلوگیری از هر گونه توافق بین برلین و مسکو خواهد بود و جلوگیری از اتحادیه اروپا برای دسترسی به انرژی روسیه. کوتاه سخن، پشت تبسم های رسمی در تلویزیون، «دوستان» غربی هیچ علاقه ای به یک دیگر ندارند. جاسوسی آژانس امنیت ملی این موضوع را تأیید کرد که در معاملات دوستی وجود ندارد.

رابطه ایالات متحده و اتحادیه اروپا دارای دو وجهه است: اتحاد و رقابت. شرکت های چند ملیتی اروپا به ژاندارمری ایالات متحده نیازمند هستند، ابتداء برای ترساندن جهان سوم و سپس دور نگهداشتن چین. ولی شرکت های چند ملیتی ایالات متحده از هر جنگی برای ربودن سهم بازار هم پیمانان و دوستان اروپائی شان استفاده می کنند و علاوه بر این باید دانست که واشنگتن برای پرداخت هزینه جنگ ها توسط «دوستانش» در خدمت منافع ایالات متحده و به ضرر «دوستانش» مهارت خاصی دارد.

در واقع پشت دشمن مستقیم و اعلام شده، هر جنگی دارای وجهی ثانوی نیز می باشد که باید کشف کنیم. در سال ۹۱ بوش به عراق حمله کرد تا قراردادهای فرانسوی ها و روس ها را تخریب کند. در یوگوسلاوی، کلینتن می خواست فرانسه را خنثی سازد و به ویژه از تشکل اروپای مسلح جلوگیری کند. در لیبیا، اوپاما (با سرکوزی) قراردادهای المان و ایتالیا را که با قذافی به امضاء رسانده بودند از بین برد. در سوریه، اوپاما (با هولاند) دوباره علیه المان اقدام می کند. در اوکراین همین کار را تکرار کرد. و تمام این جنگ های ایالات متحده در ایجاد هرج و مرج به شکلی است که به روی اروپا (دوست) کمانه می کند (بحران مهاجرت، سوء قصد های تروریستی، از دست دادن همکاران اقتصادی).

سرانجام، ناتو برای اروپا به خودکشی تبدیل شده است. آیا ایالات متحده را تا دوزخ پارکابی خواهد کرد؟ آینده جهان به همین موضوع بستگی دارد

۱۸ سپتامبر ۲۰۱۵

برای ادامه مطلب :

« *It's the economy, stupid !* »

- 1) www.washingtonpost.com/news/post-politics/wp/2015/08/05
- 2) Politico,com 6 août 2015.
- 3) Le Grand Echiquier, p. 103, 107, 108.
- 4) Le Grand Echiquier, p. 68.
- 5) Conférence au Chicago Council, 4 février, traduction Arrêt sur info, <https://youtu.be/u1a0FD6iiek> à 2'.

لینک متن اصلی :

<http://www.michelcollon.info/Obama-envisage-un-conflit-mondial,5383.html?lang=fr>